

بررسی کاربردی عقد صلح در حقوق خصوصی

محقق: خدیجه شیخ

رشته: فوق و اصول سطح ۳

مدرسه عالی الزهرا گرگان

چکیده :

فقه‌های شیعه عموماً، صلح را تراضی و تسالم در تملیک عین یا منفعت در اصلاح دین و حق و مانند این امور تعریف کرده اند فقیهان اهل سنت عقد صلح را قطع نزاع و خصومت بین طرفین دعوا تعریف کرده اند. تنها تفاوت مهمی که گاهی در تعاریف اهل سنت دیده می شود این نکته است که در برخی تعاریف همچون تعاریفی که از فقه مالکی نقل شده است، موضوع صلح علاوه بر رفع نزاع و خصومت موجود، به جلوگیری و دفع نزاع و خصومت محتمل گسترش یافته است. عقد صلح به دو قسمت تقسیم می شود: صلح بدوی، یا صلح ابتدایی و صلح دعوی که مورد قبول علمای امامیه می باشد ولی صلح بدوی یا ابتدایی مورد قبول علمای عامه نمی باشد و آنها شرط اصلی صلح را وقوع نزاع و دعوا می دانند از رو این صلح مورد قبول آن ها نیست. تفاوت عقد صلح در فقه امامیه و اهل سنت در این است که فقه‌های امامیه عقد صلح را عقدی مستقل و تابع شرایط و احکام بعد از خود نمی دانند ولی فقها در مذاهب چهارگانه اهل سنت جمعاً عقد صلح را عقدی فاقد استقلال و فرع بر عقود دیگر مثل: بیع، اجاره، هبه، عاریه، ابراء می دانند و می گویند عقد صلح تنها در مقام دعوا جاری می شود بنابر آنچه گفته شد عقد صلح در فقه امامیه و عامه تفاوت دارد و هر کدام دیدگاه متفاوتی دارند و دیدگاه صحیح تر همان دیدگاه فقه‌های امامیه است که عقد صلح را عقدی مستقل می دانند و فرع بر سایر عقود نمی دانند و عقد صلح تراضی و تسالم در تملیک عین یا منفعت در اصلاح دین و حق و مانند این امور است.

واژگان کلیدی: صلح، مصالح، متصالح، مورد صلح، حق انتفاع، منافع مادام الحیات

اهتمام به صلح و مصالحه در حقوق اسلامی به عنوان «سید الاحکام» در محاکم قضایی امری خدایسنده است و از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است. عفو و گذشت برای نیل به صلح و سازش، نباید به گونه ای باشد که همواره یک طرف از حق خود بگذرد و طرفی که تجاوز کرده، جرات بیشتری یافته و متجاوزتر شود، مصالحه باید بدون حق پوشی و با آگاهی کامل طرفین از حقوق خود صورت گیرد.

بدون شک منشأ بسیاری از مشکلات جامعه امروز ما ریشه در جهل و ناآگاهی از قوانین و قواعد مسلم فقهی و از سوی دیگر نهادینه نکردن آن ها به منظور کاهش منازعات و دعاوی و بالطبع تقلیل زمان رسیدگی در محاکم و هزینه های مادی و معنوی ناشی از آن بوده که این امر مهم با فرهنگ سازی و بصیرت افزایی، داشتن برنامه برای آحاد جامعه و بالاخص برای فرزندان از دوران طفولیت و کودکی ضرورت دارد.

رواج بیشتر صلح و مصالحه در حل اختلاف فیما بین، کاهش مراجعات به محاکم، زندان زدایی، تحقق عدالت ترمیمی و بالطبع، فرآیند رسیدگی در محاکم که مستلزم صرف هزینه و زمان می شود، با توجه به وضعیت کنونی جامعه و فشارهای اقتصادی ناشی از تورم و بی کاری و مشاغل دیگر تأثیرگذارتر بوده و در زمینه فروکش کردن منازعات اصحاب دعوا از طرف دستگاه های ذی ربط نظام قضایی و قانون وکلای دادگستری، اهمیت عقد مذکور را دو چندان کرده است.

اسلام، دین رأفت و عطوفت است و قوانین شرعی آن برای حفظ ارزش های انسانی و ایجاد فرصت های مناسب برای اصلاح و تزکیه نفس و اصلاح جامعه وضع شده است. گسترش فرهنگ صلح و سازش از قدیم الایام، بین مردم رواج داشته است.

دخالت بزرگان محلی و فامیل، خان های انصاف در رژیم گذشته، شوراهای حل اختلاف در نظام فعلی به موجب ماده ۱۸۹ در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، به منظور فیصله دادن به منازعات و اصلاح ذات البین، در همین راستا محقق شده اند. در قرآن و سنت، عقد صلح به معنی دفع مرافعه و پایان بخشیدن به دعوا به کار می رود. در آیات و روایات متعددی بر ایجاد صلح و سازش بین مردم تأکید شده است. در قرآن کریم از صلح در شش آیه از سوره های انفال، نساء، حجرات نام برده شده است. پیامبر اسلام (ص) صلح و سازش را برترین صدقه دانسته و می فرمایند؛ اگر کسی برای صلح و سازش بین دو نفر گام بردارد، فرشتگان الهی بر او درود می فرستند

و ثواب شب قدر به او داده می شود؛ همچنین در قرآن کریم آمده است «إِثْمَ الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةً فَأُصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ ...» مؤمنان برادر یکدیگرند، بین دو برادر اصلاح و آشتی دهید همراهی و همدلی پایه و اساس جامعه انسانی و مایه رشد و بهروزی آن است. یکدلی و سازش مایه آرامش و شادابی در خانه و زمینه ساز زندگی و تربیت بهتر افراد جامعه است. در جامعه ناهمگون که افراد به جای همدلی در پی ویرانی یکدیگر باشند راه به فلاح و بهروزی نخواهند برد و افزون بر واگشت و عقب ماندگی، شوکت و اعتبار مکتسبه نیز از دست خواهد رفت. اگر همدلی و هماهنگی افراد در هم شکند و اعتماد و دلگرمی از دل ها رخت بر بندد، مردم از پیشرفت و حرکت تکاملی باز می مانند. وقوع صلح و مصالحه در محاکم جامعه اسلامی، به منظور کاهش بار مشکلات و موانع با درک شرایط همدیگر و همچنین به منظور؛ زندان زدایی، حل اختلاف فیما بین، تحقق عدالت ترمیمی، کاهش مراجعات به محکمه و بالطبع طی نمودن فرآیند رسیدگی محاکم که مستلزم اتلاف وقت و صرف هزینه زیاد می شود، از اهمیت خاصی برخوردار است. نظر به اینکه مصالحه سریع تر از قضاوت است و برکات انسانی و اخلاقی فراوانی داشته و جامعه را به سمت اسلامی بودن بیشتر سوق می دهد.

زمانی که دعوا بین دو طرف شعله می کشد، احساس، افسار عقل را بدست گرفته و به همین دلیل دوطرف دعوا ممکن است به هر دست آویزی متوسل و به هر قیمتی برای به کرسی نشاندن خواسته خود اقدام کنند. در چنین شرایطی، آخرین و نسبتاً، دشوارترین راه حل احساسی، غیر اقتصادی و نامعقول، که دستاوردی جزء هزینه زیاد و اتلاف وقت برای طرفین نداشته، انتخاب میکنند و راهی مراجع قضایی می شوند، اما در صورت نائل شدن به راه حل منطقی- اقتصادی و معقول برای طرفین دعوا با ایجاد بستر صلح و مصالحه در حل اختلاف فیما بین با کم ترین هزینه از هر نظر، مقرون به صرفه است.

صلح در لغت و اصطلاح

صلح در لغت به معنای آشتی و سازش آمده است. صلح در اصطلاح عبارت است از توافق و سازش میان دو یا چند نفر بر ایجاد چیزی میان خودشان، از قبیل تملک عین مال یا منفعت آن و یا نقل حقی و یا اسقاط آن و یا ابراء دینی و غیر آن. خواه به طور رایگان و یا در ازای گرفتن عوض (۱-۲-۳) از صلح با عوض «صلح معوض» و از صلح رایگان و بدون عوض «صلح غیر معوض» تعبیر می کنند.^۴

جمعی از فقها صلح را به عقدی که برای رفع نزاع میان دو یا چند نفر تشریع شده تعریف کرده اند.

بنابر این تعریف، صلح تنها در موارد وجود نزاع معنا می‌یابد و در نتیجه صلح ابتدایی و بدون وجود نزاعی در میان، معنا نخواهد داشت. معنای لغوی صلح (آشتی و سازش) نیز می‌باشد. برخی گفته‌اند: تعریف دوم از عامه گرفته شده است؛ زیرا بسیاری از آنان شرط تحقق صلح را وجود نزاع بین طرفین می‌دانند؛ لیکن از دیدگاه فقهای امامی، وجود نزاع شرط صلح نیست؛ از این رو، تعریف نخست منطبق با دیدگاه فقهای امامی است.

برخی گفته‌اند: صلح هرچند در اصل برای از بین بردن نزاع تشریع شده است؛ لیکن قطع نزاع حکمت تشریع است و نه علت آن؛ از این رو، لازم نیست در همه موارد صلح نزاعی وجود داشته باشد.

۱. منهاج الصالحین، خویی، ج ۲، ص ۱۹۲.

۲. کلمة التقوی، ج ۴، ص ۱۹۵.

۳. فقه المعاملات، ج ۱، ص ۴۸۷.

۴. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۳۱۲.

این، تعریف صلح به معنای دوم بر اساس حکمت تشریع صلح است.

صلح عنوان بابی مستقل در فقه است که از احکام آن به تفصیل در این باب سخن گفته‌اند.

مشروعیت صلح

تردید در مشروعیت و جواز صلح نیست؛ مگر صلحی که منجر به حلال شدن حرامی یا حرام شدن حلالی گردد.^{۵-۶}

اولی مانند برده شدن انسان آزاد با صلح یا مباح شدن زنی با صلح و یا صلح بر خریدن شراب و دومی مانند صلح بر ترک آمیزش با همسر و یا صلح بر عدم انتفاع از مال خود. چنین صلحی باطل و نامشروع است.

ماهیت صلح

صلح از عقود است؛ از این رو، شرایط عمومی عقود در آن معتبر می‌باشد (عقد). لیکن این سؤال مطرح است که آیا صلح عقدی مستقل است یا از فروع عقود دیگر به شمار می‌رود؟

به قول مشهور، بلکه ادعای اجماع شده که صلح عقدی مستقل است نه فرع عقود دیگر، هرچند مفید فایده عقود دیگر باشد، مانند موردی که متعلق صلح مبادله عینی در ازای مالی باشد که در این صورت مفید فایده بیع است یا عینی بدون عوض باشد که مفید فایده هبه است و یا منفعتی در ازای عوض باشد که مفید فایده اجاره است. با این حال، احکام و شرایط این عقود بر صلح مترتب نمی‌گردد؛ چنان که اختیارات اختصاصی بیع در صلحی که مفید فایده بیع است جریان نمی‌یابد.

۱۸. قانون مدنی، ماده ۷۵۶

۱۹. همان، ماده ۷۵۷

۲۰. همان، ماده ۶۷۰

۲۱. همان، ماده ۷۵۹

۲۲. همان، ماده ۷۶۱

۲۳. همان، ماده ۲۶۷

۲۴. همان، ماده ۷۶۳

۲۵. همان، ماده ۷۶۴

۲۶. همان، ماده ۷۶۰

۲۷. همان، ماده ۷۵۸

۲۸. همان، ماده ۵۶۷

۲۹. همان، ماده ۷۶۷- شهبازی، مجموعه سوال ها، ۸۸۳۱

شرایط عقد صلح

برای این که عقد صلح صحیح باشد، باید دارای شرایطی باشد. این شرایط عبارتند از :

۱. اهلیت طرفین

بنا بر ماده 3۷۵ ق.م « طرفین صلح باید دارای اهلیت باشند ». بنابراین صلح مجنون و صغیر غیر ممیز باطل است و صلح سفیه و صغیر ممیز غیر نافذ است و با تنفیذ سرپرست ایشان نافذ و معتبر است.^{۳۰}

۲. مشروعیت و منفعت عقلانی داشتن مورد صلح .

بنابراین صلح نسبت به مالی که مالیت ندارد یا منفعت عقلانی و مشروع ندارد، باطل است.

3. موضوع صلح

جهت عقد صلح که در هنگام عقد مورد تصریح قرار میگیرد، حتماً باید مشروع باشد و الا عقد صلح صحیح نیست.

4. قصد و رضا

طرفین عقد صلح باید دارای قصد انشاء باشند. فقدان قصد در هر یک از دو طرف باعث بطلان عقد خواهد بود و فقدان رضا بنا بر ماده ۷36 ق.م که میگوید: « صلح به اکراه نافذ نیست » سبب عدم نفوذ معامله میباشد^{۳۱}

۳۰. همان، ماده ۷۵۳

۳۱. همان، ماده ۳۶۷- شهیدی، مهدی، ۴۸۳۱

نتیجه گیری

عقد صلح و مصالحه در قانون مدنی ما، گرفته شده از فقه امامیه و به « سید الاحکام » معروف است. به طوری که عقد صلح می تواند به طور فرعی، جایگزین عقود دیگری مانند؛ بیع، اجاره و عاریه قرار گیرد. لزومی ندارد حتماً اختلافی وجود داشته باشد تا عقد صلح محقق شود، بلکه این عقد میتواند وسیله معامله و یا اجاره هم قرار گیرد. با وجود مشکلات مادی و معنوی حاکم بر روزگار امروز جامعه ی اسلامی، اهمیت و ضرورت صلح و مصالحه در حقوق اسلامی به عنوان « سید الاحکام » در محاکم قضایی، با توجه به وضعیت کنونی جامعه و فشارهای اقتصادی ناشی از تورم و بی کاری و مشاغل دیگر ... تأثیرگذارتر بوده و در زمینه فروکش کردن منازعات اصحاب دعوا، کاهش تراکم پرونده ها و دعاوی و همچنین توجه خاص عوامل ذی مدخل دستگاه قضایی و وکلا دادگستری ، اهمیت عقد مذکور را دو چندان کرده است. نائل شدن به راه حل منطقی- اقتصادی و معقول برای طرفین دعوا با ایجاد بستر صلح و مصالحه در حل اختلاف فیما بین با کم ترین هزینه از هر نظر، مقرون به صرفه است.

فهرست منابع

۱. قران کریم
۲. امامی، سید حسن، نوین، پروین و خواجه پیری، عباس : ۲۴۰-۴۰۴ و : ۳۲۹-۷۴۲.
۳. روزنامه ایران، شماره ۴۱۶۶ به تاریخ ۸۷/۱۲/۲۲، صفحه : ۱۵ حقوقی.
۴. منهاج الصالحین، خویی، ج ۲، ص ۱۹۲.

٥. كلمة التقوى، ج ٤، ص ١٩٥.
٦. فقه المعاملات، ج ١، ص ٤٨٧.
٧. توضيح المسائل مراجع، ج ٢، ص ٣١٢.
٨. . الحدائق الناضرة، ج ٢١، ص ٨٣.
٩. الانوار اللوامع، ج ١٢، ص ٢٣٣ - ٢٣٤.
١٠. جواهر الكلام، ج ٢٦، ص ٢١٩.
١١. قانون مدنى

